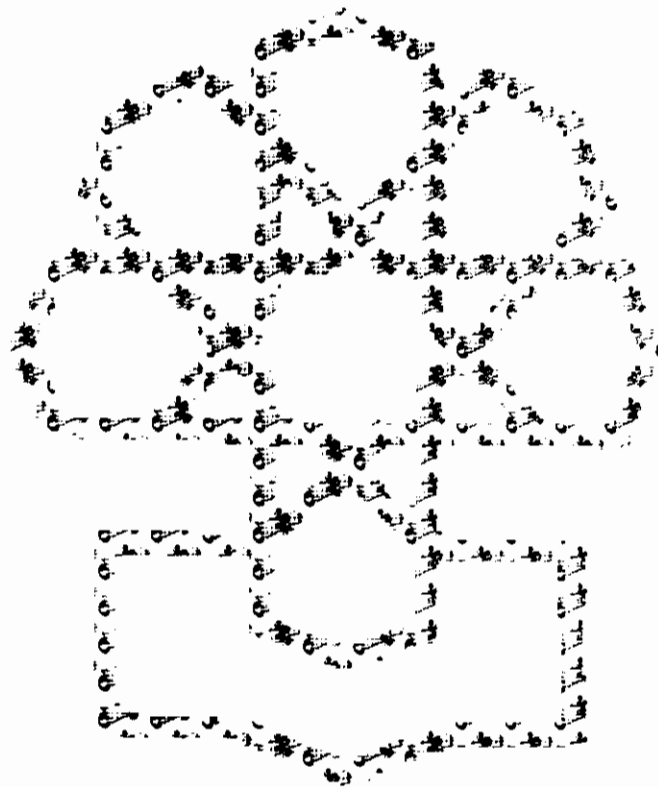


۲۵۹

۴۲۸۶



پراکنش جغرافیایی فعالیت‌های غیرقانونی در جهان



معاونت پژوهشی

بهمن ۱۳۷۷

برگردان: نماینده محترم سرکار خانم زهرا پیشگاهی فرد

کد گزارش: ۱۴۰۴۲۸۶

راهنمای پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی فارابی
شماره: ۱۰۲۲۴
تاریخ: ۷۸/۲/۱

در سراسر جهان افراد و گروه‌های کوچک و بزرگی به منظور دستیابی به برخی هدف‌های سیاسی وارد عملیات غیرقانونی متفاوت شده‌اند و گاه عملیات آنها انشعاب‌های بین‌المللی به خود گرفته است. سرقت و دزدی، تروریسم، قاچاق مواد مخدر و اسلحه در واقع تازگی ندارند و هرکدام دارای تاریخچه‌ای هستند. اما هیچ یک تاکنون مورد توجه جغرافی دانان و به طریق اولی جغرافی دانان سیاسی واقع نشده است. اما آنچه که اکنون این نوع فعالیت‌ها را مورد توجه جغرافی دانان سیاسی قرار داده است، چهار عامل است:

- ۱- مقیاس باورنکردنی اکثر این فعالیت‌ها و رخنه آنها به درون اقشاری از جامعه؛
 - ۲- گسترش جهانی تمامی این فعالیت‌ها و مواضع و راه‌های نقل و انتقال دائمی که بر حسب تغییر شرایط تغییر مکان می‌دهد؛
 - ۳- اهمیت و ارتباط رو به افزایش بین آنها و تشکیل پیوستگی‌هایی که تخریب هر یک از آنها را افزایش می‌دهد؛
 - ۴- اثرات قابل ملاحظه که بر روی سیاست‌ها و تصمیمات و فعالیت‌های دول در کلیه سطوح باقی می‌گذارد. هر چهار عامل فوق انحراف‌هایی در بازرگانی بین‌المللی، تروریسم و سایر سیر و سفرها به وجود می‌آورند. همه منابع را به‌طور یکسان در کشورهای غنی و فقیر از مسیر رشد اقتصادی و اجتماعی و اجرای قوانین به صورت فعالیت‌های نامشروع به انحراف می‌کشانند. بر اقدامات دولت‌ها تأثیر می‌گذارند، افراد را به فساد می‌کشانند و بنیادهای دموکراتیک را می‌فرسایند.
- در باقی مانده قرن حاضر و شاید هم تا مدتی بعد از آن هیچ نوع روابط بین‌المللی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن متمردان و سوداگران مرگ به انجام برسد یا تحقق یابد.

دزدی دریایی

از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد حوادثی تحت عنوان دزدی دریایی و هوایی بنا به گفته دولت‌ها، مفسران و رسانه‌های خبری سریعاً افزایش یافته است.

البته به مفهوم قانونی کمتر می‌توان این حوادث را دزدی دریایی نامید ولی از برخی لحاظ بی‌شبهت با آن نیست و شایسته توجه است.

بین سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۴ بیش از ۴۰۰ مورد از این قبیل حوادث رسماً اعلام گردیده، گرچه این رقم شامل حملاتی که به آوارگان هند و چین به عمل آمده است نمی‌شود و به هر حال شاید تنها جزئی از این حوادث را نشان می‌دهد. اکثر این حوادث بنا به عللی گزارش نمی‌شود.

امروزه بیشتر سرقت‌های دریایی سرقت اشیای ارزشمند از قبیل وسایل الکترونیک از محموله کشتی،

وجه نقد، اشیای نفیس از کشتی‌های تجاری، ملوانان، مسافران و حتی از تجهیزات کشتی است که اکثراً در بنادر یا در آب‌های منطقه‌ای صورت می‌گیرد و لذا به‌طور قطع در محدوده صلاحیت قضائی کشوری است که سرقت در آب‌های آن صورت گرفته و عمدتاً در مناطق فقیر با سطح بیکاری بالا می‌باشد که ارتکاب به اعمال خلاف یکی از چاره‌های مقابله با گرسنگی است.

اکثر این سرقت‌ها به‌طور دقیق طرح‌ریزی شده و به وسیله دستجات سازمان یافته (معمولاً کوچک تا ۵۰ نفر یا بیشتر) از مناطق ساحلی انجام می‌گیرد که اکثراً مجهز به کارد یا دشنه می‌باشند و بسیار به ندرت از اسلحه گرم استفاده می‌کنند و در مواقع رو به رو شدن با گارد ساحلی گریز را به مقابله ترجیح می‌دهند. اغلب پلیس محلی یا ناوداران غیر مسلح نمی‌توانند یا نمی‌خواهند با این قبیل مسائل رو به رو شود. بنابراین برخی صاحبان کشتی‌ها گارد خصوصی از بنادر استخدام می‌نمایند که غالباً به همان دستجات سارقان تعلق دارند و عملاً کار سرقت را آسان‌تر می‌سازند.

نوع دزدی دریایی در نقاط مجرد متفاوت با نقاط عمومی است و در غرب آفریقا بیشتر رخ می‌دهد. بنادر کشور نیجر مورد هجوم دزدان کشتی قرار گرفته بود تا این که دولت ناچار شد در اواسط سال ۱۹۸۰ اقدام قاطعی علیه آنها به عمل آورد که سپس فعالیت آنها به بنادر غرب دور منتقل گردید.

این غارتگری‌ها ادامه دارد و اغلب به نحوی است که حتی پلیس محلی را به هراس وامی‌دارد. این وضع در تنگه مالاکا و کانال‌های مجاور آن که کشتی‌ها از سرعت خود می‌کاهند و به‌صورت طعمه آسانی برای دزدان قایق سوار قرار می‌گیرند، متفاوت است.

روزانه بیش از ۲۰۰ کشتی از تنگه‌ها می‌گذرند و تنها بین سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۸۴ حدود ۱۵۰ مورد دزدی دریایی گزارش شده است و علی‌القاعده خشونت موقعی بروز می‌نماید که مقاومت نشان داده می‌شود. کشور سنگاپور سرقت‌های دریایی را به خوبی کنترل می‌نماید، به طوری که حوادث کمتری در آب‌های این کشور رخ می‌دهد، مجمع‌الجزایر ریواو پایگاه عمده دزدان دریایی است.

در خلیج سیام در دریای جنوب چین و دریای سولو دزدی دریایی توأم با خشونت بی‌اندازه و حملات پی در پی انجام می‌گیرد، به خصوص در مورد آوارگان بی‌پناه که با قایق‌های کوچک حرکت می‌نمایند. در اکثر موارد ماهیگیران تایلندی دزدان پاره وقتی محسوب می‌شوند ولی آنها نیز قربانی دزدان دریایی می‌شوند. هم‌اکنون محموله‌های کشتی‌های باری مورد غارت ماهرانه سرقت‌های سازمان یافته قرار می‌گیرند و گاهی خود کشتی به‌طور موقت تا تخلیه محموله آن به سرقت برده می‌شود. از آب‌های ساحلی برزیل اغلب گزارش‌هایی از دزدی‌های دریایی اصلی می‌شود و فقط در بندر سانتوز این سرقت‌ها به‌طور پراکنده صورت می‌گیرد و جدی تلقی نمی‌شود. این نوع سرقت‌ها در حوالی کارائیب نیز متفاوت است. این دستجات با قایق‌های کوچک با قاچاق مواد مخدر در سواحل کلمبیا اشتغال دارند. در دریاها آزاد و در خارج از محدوده حقوقی کشورها کشتی‌ها به ندرت مورد سرقت قرار می‌گیرند و حال آن که اکثر کشورهای ساحلی تا ۲۰۰ گره دریایی را منطقه انحصاری اقتصادی اعلام کرده‌اند. جرایمی که در این محدوده بروز می‌نماید با توجه به این که این مناطق خارج از دریای سرزمینی محسوب می‌گردند را نمی‌توان سرقت دریایی تلقی نمود و حتی هواپیماها نیز به ندرت در این مناطق به سرقت برده می‌شوند، لذا واژه سرقتِ هوایی را نمی‌توان به آنها اطلاق کرد.

سازمان بین‌المللی هوانوردی از عهدنامه‌های جهانی حمایت نموده و کمک‌های فنی به دولت‌ها و

سازمان‌های هواپیمایی در رابطه با مبارزه علیه دزدی هواپیما عرضه داشته است. طبق عهدنامه ۱۹۶۳ کشورهای ثبت شده، صلاحیت محاکمه این قبیل موارد را دارا می‌باشند و عهدنامه ۱۹۷۰ لاهه تنها به توقیف غیرقانونی هواپیما اشاره می‌کند، عهدنامه ۱۹۷۱ مونترال نیز از استعمال واژه سرقت هوایی احتراز می‌نماید و تاکنون هیچ‌گونه اقدام جدی برای تفسیر قانونی واژه سرقت هوایی به عمل نیامده است و در واقع هیچ‌یک از قوانین بین‌المللی این سرقت‌ها را تفسیر نکرده‌اند. به جز قوانین کشورهای که مبتنی بر شرایط و سیاست‌های خود می‌باشد.

معاهده ۱۹۵۸ ژنو در مورد دریا‌های آزاد تعبیری بس مشکل دارد و شکاف‌های متعددی را باز می‌گذارد و لذا مبارزه با اعمال خشونت‌آمیز یا اقدام به بازداشت یا اقدامی علیه غارتگری ناوگان یا مسافران کشتی یا سرنشینان هواپیما کم‌ثمر است.

کشورها به جای اتکا به قوانین دریایی در امر مبارزه با دزدی دریایی به هر صورت که تفسیر شده باشد، علاوه بر اجرای مکانیسم قوانین داخلی خود و استفاده از آن در سطح بین‌المللی نیز همکاری دارند. دفتر بین‌المللی امور دریایی که از طرف اطاق بین‌المللی حمایت می‌شود با سازمان بین‌المللی دریایی (سازمان مشاور بین دول سابق در امور دریایی) در زمینه تحقیق و ثبت کلاه‌برداری‌ها و سرقت‌های دریایی (که یک مسئله جدی و دائم‌الزاید می‌باشد) همکاری می‌نماید و انجمن‌های مختلف صاحبان کشتی‌ها نیز همین کار را انجام می‌دهند. هیئت عالی رتبه سازمان ملل متحد با کمک به کشور تایلند در پاسداری از خلیج سیام مبارزه وسیعی علیه سرقت دریایی آغاز نمود. در سال ۱۹۵۸ UNCTAD نیز تحقیقات خود را پیرامون کلاه‌برداری و سرقت دریایی آغاز کرد. در سال ۱۹۵۸ UNHCR فشار خود را بر اجرای قوانین جزائی پایگاه‌های زمینی منتقل نمود و ایالات متحده واحد منطقه‌ای غلبه دزدی دریایی در بخش پناهندگان سفارت خود در بانکوک تشکیل داد. کلیه این اقدامات ضد سرقت دریایی اثرات مطلوب به بار آورد و میزان حملات سرقت کاهش یافت و در تمام سال ۱۹۸۹ در آب‌های جنوب شرقی آسیا به سه مورد رسید ولی در سال ۱۹۹۰ تعداد آن به ۳۲ مورد بالغ گردید که در نتیجه انجمن محلی صاحبان کشتی از «آ.سه.آ» استمداد نمود. آن دسته از سرقت‌های دریایی احتمالاً ادامه خواهد یافت که با نفوذ در تجارت بین‌المللی موجب افزایش هزینه آن شده و هر از گاهی در جهت مقاصد سیاسی به کار گرفته شود و جلوگیری از آن مستلزم همکاری بین‌المللی است. جغرافی دانان سیاسی می‌توانند با مطالعه دقیق و تجزیه و تحلیل سرقت‌های دریایی امروزی به تلاش بین‌المللی مساعدت نمایند.

تروریسم

تروریسم نیز همانند دزدی دریایی در همه جا غیر قانونی است ولی تاکنون در قوانین بین‌المللی به حد کافی تعریف نشده است. به ندرت کسی به تروریسم متهم می‌شود. به هر حال تروریسم مورد توجه ما است از این نظر که جنبه سیاسی دارد و عمدتاً از مرزهای کشور فراتر می‌رود. این عمل از جنگ‌های غیررسمی متعارف متفاوت است و عمدتاً در مقیاس‌های کوچک و به‌طور پراکنده علیه شخصیت‌های کشوری به منظور ایجاد رعب در دولت‌ها و رسیدن به هدف‌های سیاسی صورت می‌گیرد. شاید تروریسم در دوران سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۸۰ به موفقیت جنگ‌های مستعمراتی کمک نموده باشد لکن از آن موقع به بعد در هیچ کجا به هدف‌های خود نائل نشده است. تروریست‌ها را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم نمود؛ تجزیه‌طلبان

و ایدئولوژیست‌ها. اکثر گروه‌های اقلیت ستم‌دیده در سراسر جهان به قصد جلب توجه به تمایل خود نسبت به جدایی از کشوری که در آن قرار گرفته‌اند یا لاقبل به منظور کسب خودمختاری در درون کشور به تروریسم متوسل می‌شوند. مولوکان‌های جنوبی، اوروتان‌ها، برتون‌ها، کورسیکان‌ها، ناسیونالیست‌های ایرلندی، کره‌ای‌ها، تامیل‌های سریلانکا، کارن‌ها و کاجین‌های برمه، باسک‌های اسپانیا، سیک‌های پنجاب، ناسیونالیست‌های پورتوریکا و بسیاری از اقلیت‌های دیگر سراسر جهان بذر تروریست‌ها را افشاندند.

قشر عمده دیگر ایدئولوژیست‌ها هستند. در فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، ژاپن، السالوادور، گواتمالا، پرو، فیلیپین و بعضی نقاط دیگر چینی‌های رادیکال، نمایندگی آنها را به عهده دارند و در کلمبیا، فرانسه، اسرائیل، هائیتی و سایر کشورها، راستی‌های رادیکال نماینده آنها هستند. همچنین دستجات شورشی علیه دولت‌های ملی آنگولا، آفریقای جنوبی، موزامبیک، میانمار، هند، نیکاراگوا و سایر کشورها فعالیت می‌نمایند که ناسیونالیسم، ایدئولوژی‌های سیاسی و سایر انگیزه‌ها را با مبارزات خود توأم نموده‌اند. در تمامی این قشرها برخی گروه‌ها شکست خورده‌اند. بعضی‌ها خاموش شده‌اند. تعدادی فعالیت دارند و بعضی دیگر در حال رشد هستند. انگیزه این گروه‌ها و اندازه و محل و تاکتیک و سایر ویژگی‌های آنها هر آنچه که باشد مسائل متعددی را نه فقط برای دولت‌ها بلکه برای افراد عادی که قربانی آنها هستند نیز مطرح می‌سازد. گو این که این تروریست‌ها بر ضد دولت‌ها عمل می‌کنند (که اغلب غیر مستقیم صورت می‌گیرد). مع‌هذا بعضی حمله‌ها متوجه شرکت‌های خصوصی است و حتی شامل سازمان‌های خیریه نیز می‌شود. به علاوه برخی از آنها مورد حمایت و مساعدت دولت‌ها می‌باشند. این نوع تروریسم مورد حمایت دولت‌ها تا زگی ندارد ولی اخیراً اهمیت فراوان پیدا کرده است. گفته می‌شود شواهد متقنی در دست هست که کشور لیبی از تروریسم شیلی، کلمبیا، السالوادور، گواتمالا، نیوکالدونیا، ایرلند شمالی، پاکستان فیلیپین و همچنین از برخی گروه‌های فلسطینی حمایت به عمل می‌آورد. آفریقای جنوبی سالیان متمادی از تروریسم کشورهای همجوار به قصد متزلزل ساختن رژیم‌های این کشورها حمایت می‌کرده است. ایالات متحده نیز به اعمال مشابه‌ای به خصوص در امریکای لاتین دست زده است. تروریسم مورد حمایت دولت‌ها شامل تمرینات تروریستی، اسلحه، پول نقد، گذرنامه، حمل و نقل، اطلاعات و حتی پوشش سیاسی از جمله استفاده از گذرنامه‌های سیاسی و حمایت سفارت‌ها می‌باشد که مشکل این مسئله را غامض تر می‌سازد.

مبارزه با تروریسم عمل ساده‌ای نیست، تروریست‌ها می‌توانند به هر کس و به هر چیز در هر زمان حمله کنند. در مقابل، دولت‌ها نمی‌توانند از همه کس در همه زمان محافظت نمایند.

تروریست‌ها همچنین قادرند از آخرین تکنولوژی‌ها استفاده نمایند که غالباً به آنها امکان می‌دهد زیان‌های بیشتری با حداقل هزینه و با خطرات کمتر وارد آورند. حمل و نقل و ارتباطات امروزی نه فقط تحرک تروریست‌ها را ارتقا داده است، بلکه به دامنه عملیات آنها با پوشش رسانه‌های گروهی توسعه می‌بخشد. مقابله با تروریسم دولتی یعنی تروریسمی که دولت‌ها مستقیماً در آن دخالت دارند، به مراتب مشکل‌تر است. در سال ۱۹۸۳ عمال کرده شمالی ۱۶ نفر از مقامات کره جنوبی را با گذاشتن بمب در مجاورت آنها در رانگون به قتل رساندند. مع‌ذلک چه نوع مجازاتی و به وسیله چه کسی می‌توان علیه کره شمالی اعمال نمود؟ سایر کشورها نیز از جمله قدرت‌های بزرگ متهم به اعمال تروریستی می‌باشند. منتها اعمال آنها همواره متعذر به عذر دفاع از خود یا عمل تلافی جویانه یا کمک به دولت دوست می‌باشد.

پیشرفت‌هایی نیز در مبارزه با تروریسم از طریق همکاری بین‌المللی به عمل آمده است. برخی اطلاعات

مربوط به تروریست‌ها از طریق پلیس بین‌المللی مبادله می‌شود، عملیات ضد تروریستی دو جانبه به عمل می‌آید و عهدنامه ICAO به کاهش هواپیماربابی کمک نموده، همچنین سازمان ملل نیز در سال ۱۹۸۵ عهدنامه‌ای علیه گروگان‌گیری به تصویب رسانده است ولی با همه این تفصیلات وظیفه تک تک کشورها است که هر اقدامی را که مناسب تشخیص می‌دهند، به عمل آورند.

قبل از ماه ژوئن ۱۹۸۷ عالی‌ترین اجلاس کشورهای صنعتی بزرگ (گروه ۹ کشور صنعتی) پیرامون اقدامات ضد تروریستی در پاریس تشکیل گردید تا درباره همکاری علیه تروریسم مذاکراتی به عمل آورند.

چنین به نظر می‌رسد که وارد مرحله جدیدی از تروریسم شده‌ایم. با وجود این که آمار مربوطه کمتر قابل اعتماد است، مع ذلک گویا تروریسم سیاسی (به نحوی از انحا) منطقه به منطقه به تدریج سیر نزولی را طی می‌کند و تروریسم نوع متعارف زدوده می‌شود.

قاچاق مواد نامشروع

این یک داد و ستد معظمی است. تخمین زده می‌شود که تنها در سال ۱۹۹۰ در ایالات متحده امریکابه میزان ۴۰/۴ میلیارد دلار مواد مخدر از قبیل ماری جوانا، کوکائین، هروئین، ال.اس.دی، امفتامین و سایر مواد تحت کنترل به فروش رفته است که بزرگ‌ترین بازار دنیا به حساب می‌آید ولی یگانه بازار این مواد محسوب نمی‌شود.

این امر قطع نظر از مبلغ هنگفتی که تقریباً در کلیه مناطق مسکونی جهان از روند فعالیت‌های تولیدی و عمرانی خارج گردیده تولید و توزیع آن نیز در کشورهای فقیر و در دولت‌های فاسد باعث ایجاد تورم گردیده، طرح‌های عمرانی را به نابودی کشانده، موجب مرگ و میر بی‌حسابی شده و فقر و بدبختی به بار آورده است.

مناطق عمده تولید این مواد عبارت از مکزیک، برخی جزایر کارائیب، دره‌های آندسفلی، ترکیه، پاکستان و افغانستان است و عمده مصرف کننده آن ایالات متحده امریکا و تعدادی کشورهای غربی است و در حالی که این تجارت جزئی از عدم تعادل ثروت جهانی را ترمیم می‌کند. مع هذا اثرات منفی آن حائز اهمیت بسیار می‌باشد. فاصله بین تولید کننده و مصرف کننده به سرعت رو به تلاشی است. در هر جا که تولید و تهیه و قاچاق مواد مخدر جریان دارد، سوء استعمال آن شروع شده است. این مواد حتی به جوامعی که زمانی پای بند اخلاقیات بوده یا کنترل شدیدی اعمال می‌گردید و بسیار دور از معرض تطمیع این مواد بودند نیز رخنه کرده است. امروزه کمتر جایی در جهان وجود دارد که از سوء استعمال این مواد عاری مانده باشد.

چگونه می‌توان به اندازه و نفوذ داد و ستد مواد مخدر پی برد. اساساً این نوع تولید مورد تقاضای جوامعی است که به قصد گریز آسان و ارزان از مسائل و مشکلات چه واقعی و چه خیالی بدان روی می‌آورند. در اینجا نمی‌توان به علل سوء استعمال آن از نظر جامعه‌شناسی پرداخت ولی می‌توان به طور خلاصه به طرف عرضه کننده این معادله نظر انداخت. در بعضی نقاط جهان موادی مانند نوشابه‌های الکلی استعمال می‌شود ولی طی قرن‌ها به ندرت از آن سوء استعمال به عمل آمده است. موادی از نوع هالوسینوزن در بخش شمالی مکزیک و جنوب غربی ایالات متحده، کوکا در آند مرکزی، حشیش در خاورمیانه و تریاک در آسیا از ترکیه گرفته تا چین مصرف می‌شود و مقدار ناچیزی از آنها قانوناً جهت مقاصد دارویی به کار می‌رود.

در قرن نوزدهم قاچاق و استعمال مواد مخدر به صورت مسئله غامضی درآمد. مقاومت چین در برابر ورود تریاک از کشورهای اروپایی منجر به جنگ بین چین و بریتانیا در سال‌های ۱۹۱۲-۱۹۴۲ شد و منتهی به انعقاد پیمان کنترل بین‌المللی مواد مخدر به نام عهدنامه بین‌المللی تریاک گردید ولی قاچاق تریاک از سال ۱۹۵۰ ابعاد وسیعی به خود گرفت. کشت و عمل آوردن کوکا، ماری جوانا و خشخاش تریاک آسان و مناسب با همه نوع محیط جغرافیایی است که ضمن آن که برای کشاورزان فقیری که قادر به تولید محصولات سودآور مشروع نمی‌باشند، بسیار سودآور است. برای مثال ماده کوکا که برگ آن تولید کوکائین می‌کند، در سال پنج بار محصول می‌دهد که نیاز به زراعت کمتر دارد و در ضمن ده بار سود آورتر از سایر محصولات معمولی است. زمین کاران اکثر کشورهای تولیدکننده، علی‌الخصوص در امریکای جنوبی برای حراست از محصول خود در مقابل مأموران اجرای مقررات محیط زیست در خصوص مواد مخدر به خشونت متوسل می‌شوند. برنامه ریشه کن‌سازی گیاه ماده مخدر و جایگزین کردن محصول دیگر به جای آن به علت مقاومت کشت کاران، همکاری کمتر از طرف مأموران فاسد یا مرعوب، مسائل محیطی و مخالفت شدید از ناحیه خود قاچاقچیان به کرات متوقف گردیده یا کلاً به شکست انجامیده است. مع‌ذالک شواهدی در دست هست که این برنامه‌ها در ترکیه، پاکستان و تایلند به موفقیت چشمگیری نایل آمده منتها به همان اندازه که در یک محل کاهش می‌یابد در محل دیگر رشد می‌نماید. مناب مثال تولید ماری جوانا در سال ۱۹۸۲ در تایلند آغاز گردید ولی دولت به سرعت از آن جلوگیری به عمل آورد منتها از آن موقع به بعد از طریق مکزیک به لائوس منتقل گردیده که نه تنها مورد حمایت دولت قرار گرفته بلکه به کشت کاران نیز مساعدت شد و هم‌اکنون ماده ماری جوانا عمده‌ترین صادرات لائوس به ایالات متحده امریکاست. در سال ۱۹۸۴ وزیر دادگستری کلمبیا به دست قاچاقچیان به قتل رسید که موجب شد بالاخره دولت به مبارزه معقول و موفقیت‌آمیزی علیه قاچاقچیان مبادرت نماید. این امر در مورد توزیع این مواد نیز صادق است و به محض سد شدن یکی از طرق به وسیله مقامات طریق دیگری گشوده می‌شود. برای مثال راه سنتی حمل آن که از پاکستان از طریق خاورمیانه به ایالات متحده و اروپا معمول بود با بروز جنگ در لبنان و تلاش‌های ایران در جهت اجرای مقررات ضد مواد مخدر و همچنین به علت جنگ خلیج فارس و سایر عوامل راه جدیدی از طریق آفریقا از نایروبی و آدیس‌آبابا از بنادر غرب آفریقا گشوده شد و با شدت گرفتن مراقبت‌ها و ممنوعیت‌های ایالات متحده مواد بیشتری از راه زمینی امریکای جنوبی و از طریق مکزیک به وسیله هواپیما مستقیماً به کالیفرنیا حمل می‌گردد.

حتی انتخاب ماده مخدر متناسب با بازار تقاضا و تلاش‌های کنترل آن تغییر می‌نماید برای مثال ماده هروئین که مشتقی از تریاک می‌باشد، هم‌اکنون در ایالات متحده ماده انتخاب شده است زیرا به کارتل مدلین در کلمبیا در نتیجه تلاش‌های دولت ضربه شدیدی وارد آمده است و در مقابل خشخاش تریاک در جنوب غربی کلمبیا جایی که زمانی محل کشت بته کوکا بود وسیعاً کشت می‌شود. اربابان مواد مخدر از این بابت بسیار خشنود هستند زیرا هروئین تقریباً ده بار سودآورتر از کوکائین می‌باشد.

در اینجا مایلیم نکته‌ای را که قبلاً به آن اشاره نموده‌ایم مجدداً تأکید نماییم و آن این است که ایالات متحده بزرگ‌ترین بازار غیرقانونی می‌باشد (هرچند که اروپا نیز به سرعت به آن نزدیک می‌شود و کشورهای فقیر هم وارد رقابت شده‌اند). ایالات متحده همچنین بزرگ‌ترین تولیدکننده این ماده می‌باشد. بیشتر ماده ماری جوانایی که در کشور به مصرف می‌رسد اکنون در داخل و علی‌الظاهر در غرب و در

هاوایی تولید می‌گردد. این ماده وسیعاً در حول و حوش کشور تهیه می‌شود و به منظور انطباق با شرایط رشد آخرین فنون علمی در این مورد به کار گرفته می‌شود. سازمان‌های بین‌المللی اخیراً دست به مبارزه با تولید و توزیع این ماده زده و ایالات متحده امریکا حمایت بعضی کشورها را به ویژه کلمبیا، بولیویا و ترکیه را توأم با ناخشنودی این کشورها جلب نموده است. سازمان‌های بین‌دول منطقه‌ای نیز مسئله را جدی تلقی می‌کنند. تنها در سال ۱۹۸۶ این موضوع به وسیله شورای وزیران کشورهای عربی، آسه‌آن، کمیسیون EC، شورای اروپایی OAS، OECD، سازمان کنفرانس اسلامی، SAARC و سایرین همچنین در کنفرانس‌های منطقه‌ای که به وسیله سازمان ملل تشکیل شده بود مورد رسیدگی قرار گرفت و در سال ۱۹۸۷ سازمان ملل متحد کنفرانس عمده بین‌المللی در خصوص استفاده غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر در وین تشکیل داد که موجب تشدید فعالیت گردید. سال بعد سازمان ملل کنفرانسی با اختیارات تام در وین تشکیل داد که معاهده سازمان ملل را در مقابله با قاچاق مواد مخدر و مواد دماغی را مورد تصویب نمود که ماده ۳۴ آن در خصوص اقدامات عملی است که مقامات کشورها می‌توانند علیه قاچاق مواد مخدر اعمال نمایند. این اقدامات بسیار جامع است مع ذلک به جریان عرضه و تقاضا محدود می‌شود که تنها دارای جنبه توصیه به کشورهاست و تعهدی در بر ندارد. سازمان ملل در سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۷۱ نیز عهدنامه‌هایی در خصوص این نوع مسائل به تصویب رسانید که اجرای آنها از طرف کشورها غیر منصفانه تلقی گردید و نیاز به عهدنامه‌های جدید پیدا کرد. سازمان‌های ملل عاملان خود را که علیه مواد مخدر مبارزه می‌نمایند به رسمیت می‌شناسد. در سال ۱۹۹۱ سه گروه از این عاملان را در یک واحد ادغام نمود و برنامه کنترل بین‌المللی مواد مخدر را به وجود آورد که فعالیت‌های آن را کمیسیون سیاست‌گذار سازمان ملل اداره می‌کنند. هنوز بسیار زود است که بتوان تمامی این تلاش‌ها را ارزیابی کرد لکن می‌توان برخی واقعیت‌ها را تشخیص داد. مانند کنترل تغییر داروهای مشروع و جلوگیری از سوق دادن آن به مجاری نامشروع که بسیار مؤثر بوده و از برنامه‌های ملی و منطقه‌ای کنترل مواد مخدر به طرق مختلف چه فنی و مالی و چه اخلاقی حمایت نموده است و در هماهنگی بین برنامه‌های ملی و دستگاه‌های دولتی کمک نموده است.

قاچاق اسلحه

رقابت بین تولیدکنندگان اسلحه به قدری وسیع و کنترل بر فروش آن به اندازه‌ای ضعیف است که امروزه هر کسی می‌تواند تقریباً هر نوع اسلحه‌ای که بخواهد و برای هر قصدی که مایل باشد، به قیمت‌های مختلف خریداری نماید. به کلام دیگر دو نوع قاچاق بین‌المللی اسلحه در جهان وجود دارد. واگذاری اسلحه از طرف دولتی به دولت دیگر که به صورت فروش، وام و هدیه می‌باشد و فروش خصوصی به دولت‌ها که با تصویب دولت و به وسیله واسطه‌ها یا به عنوان کمک صورت می‌گیرد که معمولاً محرمانه و عموماً به مقیاس کم وارد بازار بین‌المللی اسلحه می‌شود که هر یک از آنها را اجمالاً مورد بررسی قرار می‌دهیم. بر اساس کتاب سال SIPRI طی سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۹ تسلیحاتی به ارزش ۱۷۳ میلیارد دلار کم و بیش آشکارا به وسیله دولت‌ها مورد داد و ستد قرار گرفته که از این مجموع اتحادشوروی بیشترین سهم یعنی حدود ۳۷ درصد کل صادرات و متعاقب آن ایالات متحده ۳۴ درصد صدور سلاح‌های مزبور را به خود اختصاص داده بود که ۶۴ درصد آنها وارد کشورهای در حال رشد گردیده که به سختی می‌توانستند هزینه گنج‌کننده این نوع واردات غیر تولیدی را تأمین نمایند. از صادرکنندگان اسلحه به این کشورها در حال رشد، اتحاد شوروی

با صدور بیش از نیمی از آن در جای اول و به دنبال آن ایالات متحده قرار داشت. ولی مجموع سهم فروش آنها از ۶۹ درصد در سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۸۲ به ۵۹ درصد در سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۸۵ کاهش یافت و فقط در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۹ در نتیجه ورود عرضه جدید به بازار افزایش پیدا کرد.

از دیاد فروشندگان و همچنین خریداران آن عامل جدیدی در تجارت اسلحه به حساب می‌آیند. چین هم‌اکنون در بین کشورهای در حال توسعه جای پنجم و مصر، کره شمالی، اسپانیا، اسرائیل و برزیل در بین ۱۵ کشور ردیف بالای کشورهای صادرکننده اسلحه می‌باشند. کشورهای در حال توسعه در واقع در صدور اسلحه به طور سریع در حال رشد می‌باشند و اکثر مشتریان آنها نیز کشورهای در حال توسعه دیگر هستند. حال این مسئله مطرح است که کدام یک از اینها فروشنده یا خریدار در نهایت سود خواهد برد. ارقامی که تا کنون داده شده اکثراً در خصوص سلاح‌های متعارف است. به این رقم باید سلاح‌های کوچک شخصی، ساز و برگ نظامی مختلف، مهمات، مواد منفجره، وسایل یدکی و سرویس مدرن و غیره به ارزش میلیاردها دلار را اضافه نمود. به دنبال آن پرسنل نظامی پیش می‌آید. کشور نپال با صدور سربازان گورکای خود برای خدمت در ارتش هند و بریتانیا مبالغ هنگفتی پول قومی به دست آورده در حالی که کوبا، پاکستان، کره شمالی و سایر کشورهای در حال رشد پرسنل منظم نظامی خود را به عنوان گارد، آموزش دهنده و مشاور و در مورد کوبا حتی به منظور شرکت در عملیات نظامی به خارج اعزام نموده‌اند. تخمین زده می‌شود که در سال ۱۹۸۳ برای مثال پاکستان دارای ۳۰۰۰۰ سرباز در ۲۴ کشور اکثراً در آفریقا، شبه جزیره عربستان، کشور سعودی، ۲۰۰۰۰ سرباز در خدمت داشته است. میزان افزایش هزینه‌های نظامی در جهان به خصوص در کشورهای در حال رشد از سال ۱۹۸۲ به بعد ظاهراً به علت برخی عوامل روبه کاهش گذاشته است که این عامل عبارتند از:

۱- سقوط بهای نفت و بحران اقتصادی دهه ۱۹۸۰ که موجب کاهش پول خرید اسلحه شد.

۲- اشباع شدن اکثر کشورهای در حال رشد از اسلحه.

۳- ورود تعدادی از کشورهای در حال رشد به جرگه تولیدکننده و حتی صادرکننده اسلحه.

تنها هند مبلغ ۱۷ میلیارد دلار یعنی بیش از $\frac{1}{4}$ هزینه ۱۵ کشور صنعتی در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۹ صرف هزینه دفاعی خود کرده است. آنچه که حائز اهمیت فراوان است ظاهراً تمایل دولت‌ها به خصوص اروپای غربی در خصوص تقلیل کنترل نسبت به داد و ستد اسلحه و کاهش تدریجی کمک‌ها و نظارت بر تولید آن است. همکاری بین دولت‌های غربی در امر تولید و توزیع اسلحه روبه افزایش است. همچنین اگر از تولیدکنندگان جدیدی که وارد بازار می‌شوند سخنی به میان نیاید میان عرضه کنندگان خصوصی رقابت چشمگیر است. هم‌اکنون تمایل انتقال تولید اسلحه و تکنولوژی هم برای مقاصد سیاسی و هم به دلایل اقتصادی وجود دارد که عدم تمرکز تولید اسلحه رادر جهان سرعت می‌بخشد.

کلیه این روندها بر اهمیت داد و ستد سلاح‌های متعارف می‌افزاید. امروزه با وجود ارتباطات مناسب هر گروه انقلابی یا تجزیه طلب و هر فرمانروا یا گروه متعصب می‌تواند با پول کافی هر نوع اسلحه را به جز هواپیماهای پیچیده، کشتی، خودروهای زره‌ای و توپ از بازار آزاد یا از بازار سیاه خریداری نماید. سلاح‌ها در مجله‌های کثیرالانتشار و در نمایشگاه‌های بین‌المللی با آخرین سیستم‌های نظامی جهت فروش به هر کس که مایل باشد. در مقابل چند فقره پرس و جو آشکارا تبلیغ می‌شود و لذا مشکل بتوان دنیای بی‌ثبات فعلی را به ثبات بیشتر سوق داد. تقلیل نیروی نظامی در ناتو و اضمحلال پیمان سابق ورشو به معنای پیچیده رابه بازار بین‌المللی سوق داده است. دولت‌های جانشین و سایر کشورهای نو استقلال دست به خرید

وسایلی برای نیروهای نظامی خود زده‌اند و احتمالاً عرضه کنندگان بیشتری با محدودیت انتقال تکنولوژی (از جمله سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای) و کاهش هزینه تولید وارد بازار شده‌اند. همچنین قاچاقچیان مواد مخدر و تروریست‌ها (کهنه و نو) به تکاپوی یافتن سلاح‌های پیچیده‌تری هستند و لذا احتمال نمی‌رود سوداگران مرگ به زودی از میدان کسب و کار خود بدر روند. حال چگونه باید یا می‌توان با این وضع مقابله نمود؟ تصمیم گیرندگان همگی برای دولت‌ها به صورت مجرد کار می‌کنند و تعداد قلیلی از آنها به تصمیم دسته جمعی علاقه‌مند می‌باشند ولی شاید جغرافی دانان سیاسی بتوانند آگاهی خود را نسبت به این مسئله از طریق مطالعات دقیق و توصیه‌های خود افزایش دهند.

در حالی که هر یک از فعالیت‌ها در جای خود جالب است و به درجات مختلف در روابط بین‌المللی حائز اهمیت می‌باشد. آنچه که به خصوص تجزیه و تحلیل جغرافی سیاسی آنها می‌گردد، روابط موجود بین آنهاست. این روابط به قدری فراگیر و روبه پیچیدگی است که اگر این روند ادامه یابد، طولی نخواهد کشید که یک شبکه جهانی مشتمل بر فعالیت‌های جنایی به وجود آید. این یک آینده‌نگری هولناک است و صرفاً به همین هم باید به وسیله دولت‌ها باهماهنگی بیشتر خنثی گردد.

به طور کلی سارقان امروزی مسلح به سلاح‌های سبک هستند و ظاهراً هنوز در تجارت اسلحه به طور عمده دست ندارند ولی تروریست‌ها و قاچاقچیان مواد مخدر به طور قطع دست دارند. به جز سلاح‌های کوچک و مواد منفجره ساده اکثر سلاح‌هایی که از آن استفاده می‌نمایند مستقیماً یا به طور غیرمستقیم به وسیله دولت‌ها تأمین گردد که برخی از آنها از ساز و برگ‌های نظامی و انبارهای مهمات به سرقت برده می‌شود و بعضی دیگر به صورت مازاد بر احتیاج از طریق مزایده یا به طرق دیگر به فروش می‌رسد. به هر حال همواره سلاح‌ها و مهمات و مواد منفجره و سایر وسایل متعلقه جدید و تاحدی پیچیده به عمد در اختیار تروریست‌های معتقد به عقاید متفاوت و تهیه کنندگان مواد مخدر کشنده قرار داده می‌شود. به خصوص در امریکا و آسیای جنوبی جنگل‌های دامنه داری بین قاچاقچیان مواد مخدر و تروریست‌های سیاسی و بعضاً پلیس و سایر مقامات اجرائی رخ می‌دهد. در این نبرد گاهی مردان بدسرسشت مجهز به سلاح‌های سنگین‌تری هستند پیروزی همیشه هم نصیب مردان نیک نمی‌شود. شواهد متقنی موجود است که گاهی دولت‌ها در قاچاق مواد مخدر دست دارند. اینها تنها یک مأمور فاسد یا یک قاچاقچی نیستند که در نتیجه به دستگاه دولتی نفوذ کرده باشند، بلکه خود دولت‌ها هستند که بر حسب سیاست خود مسیر قاچاق را در قلمروی خود زیر نظر دارند و از خدماتی که انجام می‌دهند. حق العمل دریافت می‌نمایند یا از آن حمایت می‌کنند و در مقابل پول نقد می‌گیرند یا اطلاعات درباره گروه‌های رقیب مناطق کسب می‌نمایند. در تعدادی از کشورهای ضعیف و فقیر و بی ثبات سربازان خائن یاغی شده وارد داد و ستد مواد مخدر می‌شوند که سلاح‌های خود را با خود می‌برند. در سال ۱۹۴۹ چندین لشکر از دسته‌های ملی‌گرای چینی علیه یاغیان راهزنان و قاچاقچیان محلی به زد و خورد پرداختند تا به تدریج به عملیات غیرقانونی آنها فائق آمدند و به صورت فرمانروایان جنگی در بسیاری از مناطق شمال برمه مستقر شدند. از آن تاریخ به بعد عملیات مشابهی در اوگاندا، افغانستان و نقاط دیگر دیده شده است. با اهمیت‌تر از آن اتحاد شوروی سابق و متحدان بودند که وسایل و انواع کمک‌های دیگر به منظور بی‌ثبات ساختن دولت‌های غیر دوست و بی‌طرف در اختیار گروه‌ها قرار می‌دادند. ایالات متحده و همچنین اسرائیل، آفریقای جنوبی، ترکیه، عراق، تایوان، هندوستان و سایر کشورها در این گونه عملیات فعالیت دارند. ارتباط بین شورشیان، تروریست‌ها، تولید

کنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر و سایر جنایتکاران کاملاً مستند می‌باشد. اینان در میانمار، افغانستان، کلمبیا، پرو، بولیوی، جامائیکا، فیلیپین و سایر جاها مواد مخدر و اسلحه مبادله می‌کنند. اطلاعات در اختیار هم قرار می‌دهند از همدیگر حمایت می‌کنند و به تطهیر پول مبادرت می‌نمایند و با چشم پوشی از اختلافات عقیدتی در جهت منافع مشترک همکاری می‌کنند. بی‌تردید می‌توان گفت که مصرف‌کننده عادی کوکائین یا ماری‌جوآنا یا هر ماده تحت کنترل دیگر در ایالات متحده یا کانادا یا کشورهای اروپای غربی در حقیقت به این امر واقف است که پولی که برای چند لحظه خوشی صرف می‌کند در راه تخریب زندگی افراد دیگر به وسیله از میان برداشتن رقبا، سوء قصد به جان مأموران دولتی، کشتار فجیع روستاییان که از همکاری امتناع می‌ورزند و قتل سایر مأموران اجرائی مصرف می‌شود.

به هر حال فعالیت‌های جنایی بین‌المللی اعم از داد و ستد مواد مخدر، قاچاق اسلحه، تروریسم یا سرقت‌های دریایی به احتمال قوی با سایر قشرها رابطه تنگاتنگ دارد و به صورت فعال یا به طور انفعالی به وسیله دولت‌ها مساعدت می‌شود. هستند کسانی که سعی دارند این فعالیت‌ها را در زمینه‌های اجتماعی یا عقیدتی توجیه نمایند ولی اثرات این نوع عملیات در جوامع متمدن، بی‌حساب و غیر قابل توجیه می‌باشد و بهتر از این نمی‌توان تفسیر کرد که شاید در جایی ارزش کشته شدن وجود داشته باشد ولی یقیناً در هیچ جا ارزش کشتن وجود ندارد.

References:

- 1- Adeniran, Tunde and Yonah Alexander (eds) , International Violence. New York: Praeger b 83.
- 2- Agnew John A. and Paul Knox , the Geography of the World- Economy. New York . Edwand Arnold . 1989.
- 3- Ansair Javed the Politic Economy of International Economy Organization . Boulder, Co: Lynne Rienner , 1986.
- 4- Arms Production in the Third World , London: Taylor & Francis, 1985.
- 5- Beliaev Lgor and John Marks (eds.) Common Ground on Terrorism: Soviet- American Cooperation Against the Politics of terror :New York : Norton, 1991.
- 6- Bell. J . Bowyer the Gun in Politics . New Brunswick NJ. Transaction 1987.
- 7- Ellen, Eric F (ed) Violence at Sea: A Review of T errorism, Acts of War and Piracy and Countermeasures to Prevent Terrorism . Paris: Icc Publishing 1989.
- 8- Glassner, Martin , Political Geography . New York : John Wiley & Sons Inc. 1993.
- 9- Lee, Rensselaer W , III , The White Labyrith: Cocaine and Political Power, New Brunswick , NJ: Transaction , 1989.